

چرا با انتخاباتِ پیش رو «قهریم»؟^۱

اخیرا به اتفاق جمعی از نواندیشان دینی، بیانیه‌ای دربارهٔ انتخابات پیش رو و چرایی عدم شرکت در آن را منتشر کردیم؛ که معتقدیم «با توجه به همه‌ی شواهد موجود...» «انتخابات» پیش رو فاقد حداقل ارزش‌های سیاسی، اخلاقی و دموکراتیک است و هیچ نسبتی با دموکراسی، حقوق بشر و عدالت اجتماعی ندارد و راهی به عبور از گردنه‌ی استبداد و روزنه‌ی ای به بهروزی زندگی مردم نمی‌گشاید.^۲

در این نوشتار، در تکملهٔ بیانیهٔ فوق استدلالی له غیر اخلاقی بودن شرکت در «این انتخابات» اقامه می‌کنم. چنانکه در می‌یابم، سیاست ورزی و کنشگری سیاسی، امری است عمیقا تخته بند زمان و مکان و نمی‌توان از احکام کلی و ضروری و همیشگی در آن سراغ گرفت. در این میان، ملاک و محک اخلاقی موجه دربارهٔ کنشگری سیاسی رهگشا، عبارت است از مد نظر قرار دادن «اصل فایده»^۳ و فایده‌گرایی قاعده محور.^۴ به تعبیر دیگر، بیشینه شدن فایده و کمینه شدن درد و رنج برای بیشترین مردم، قوام بخش و معیار تصمیم‌گیری برای انجام یا ترک فعلی در حوزهٔ سیاست است.

نگارندهٔ این سطور، هشت سال پیش در چنین روزهایی در نوشتاری، با مد نظر قرار دادن همین ملاک، از شرکت در انتخابات و رای دادن دفاع کرد.^۵ در آن روزگار، به‌رغم حضور حربهٔ نظارت استصوابی و روا داشته شدن ظلم و تبعیض در حق شهروندان، بخش قابل توجهی از شهروندان همچنان امیدوار بودند از طریق گزینه‌های موجود و به مدد رای دادن، با واسطهٔ نمایندگان منتخب در سرنوشت خود نقش ایفا کنند و «خیر عمومی»^۶ را در جامعه افزایش دهند. از اینرو به «لیست امید» اعتماد کردند؛ همچنانکه با همین نگرش و استدلال، در سال ۹۶ به حسن روحانی رای دادند. در واقع، به نزد قاطبهٔ مردم، منافع شرکت در انتخابات بر مضار آن می‌چربید و غلبه داشت.

اما، همانگونه که برکسانی که تحولات سیاسی داخلی را رصد می‌کنند هویدا است؛ از انتخابات مجلس پیشین در سال ۱۳۹۸ بدین سو، آشکارا کشتیان را سیاستی دیگر آمده و رقابتی که پیش از این، پس از اعمال تیغ نظارت استصوابی در سپهر سیاست میان جناح‌های سیاسی حاضر در صحنه وجود داشت، به

۱. در نهایی شدن این نوشتار، از ملاحظات دوست دانشورم دکتر مصطفی دانشگر بهره بردم. از ایشان سپاسگزارم.

۲. نگاه کنید به لینک زیر:

در انتخابات فرمایشی شرکت نمی‌کنیم؛ بیانیه‌ی جمعی از نواندیشان دینی در مورد انتخابات | سایت خبری تحلیلی زیتون (zeitoons.com)

۳. Utility Principle

۴. Rule- Utilitarianism

۵. نگاه کنید به: سروش دباغ، «جستارهای سیاسی - اجتماعی» در وقت لطیف شن: جستارهایی در نواندیشی دینی، اجتماع و سیاست، تورنتو، نشر سهروردی، ۱۳۹۸.

۶. common good

محاق رفته و مجاله شده است. این سیاست آقای خامنه‌ای، در انتخابات سال ۱۴۰۰ هم حضور پررنگی داشت و رقابت میان نیروهای درون نظام را حداقلی کرد. به همین دلیل، همان ایام چند مطلب نوشتم و استدلال کردم حضور در این انتخابات روا نیست و مضارش بسی بیش از منافع احتمالی آن است. از خرداد ۱۴۰۰ تا اسفند ۱۴۰۲ فضای سیاسی، بسی تنگ تر و بسته تر شده است.

لازمه این سخن این است که در چنین شرایطی، تن دادن به مشارکت در چنین مسمی به انتخاباتی، کمکی به افزایش خیر عمومی نمی کند. هم کارنامه مجلس اقلیت کنونی پیش روی ماست، هم کارنامه مجلس پیشین با حضور « لیست امید »؛ کارنامه هایی که در افزایش خیر عمومی و وضع قوانینی در راستای مطالبات شهروندان خاموش و معترض بسیار، ابداء کارنامه قابل قبولی نداشته اند. نارضایتی آشکار رهبری از نتیجه انتخابات هشت سال پیش، مسیر را برای عدم توفیق نمایندگان در پیگیری و تحقق خیر عمومی و پاسداشت حقوق اکثریت و اقلیت، هموار کرد

در وضعیت کنونی، با توجه به دیوار بلند و ستبر بی اعتمادی موجود میان مردم و حکومت و فضای زمستانی و استخوان سوز سیاسی، خصوصاً پس از سرکوب خونین جنبش مبارک « زن، زندگی، آزادی » توسط حکومت و سرسختی هسته سخت قدرت با محوریت رهبری و منصوبان ایشان در پیگیری سیاست های تبعیض آمیز و غیر عادلانه ای که نسبتی با تحقق اراده عمومی و افزایش خیر عمومی ندارد؛ شرکت در انتخابات، عملی عبث و غیر عقلانی است. اکنون، نه امکان انتخاب شدن و حضور نیروهای سالم، دموکرات و خیرخواه ملک و ملت وجود دارد؛ نه به فرض که حداقلی از این نیروها انتخاب شوند و وارد مجلس گردند، می توانند کاری از پیش ببرند؛ که در چنبره جماعت استبداد زده « پایداری » گرفتار می شوند و نمی توانند قدم از قدم بردارند و در تصویب قوانین نقش موثری ایفا کنند. ما حاصل این می شود که هم به تیغ ظالمانه نظارت استصوابی تن داده و به دعوت حکومتی که سرمست از باده قدرت تک تک دریاچه های جمهوریت را بسته و در کار نهادینه کردن ساز و کار استبدادی است، پاسخ مثبت داده و مشروعیت بخشیده؛ هم گامی در راستای تحقق خیر عمومی و کاهش درد و رنج شهروندان برنداشته اند. از اینرو، مشارکت در چنین صحنه آرای تراژیک و غم انگیز مسمی به انتخابات، کنشی غیر اخلاقی و غیر موجه است.

افزون بر این، در سیاست ورزی، قهر و آشتی ابدی محلی از اعراب ندارد. هر چند فضای انتخاباتی کنونی در داخل کشور سخت سرد است و از سر و روی آن یخ می بارد؛ در عین حال، مطابق با گمانه زنی ها و نظرسنجی های متعدد، بین ۲۰ تا ۳۰ درصد مردمان در انتخابات شرکت می کنند؛ جمعی از سر باورمندی به نظام ولایی و جمعی برای کسب منافع فردی و گروهی. در چنین موقعیتی، میتوان بجای استفاده از « تحریم انتخابات »، از « قهر با انتخابات » سخن گفت و از آن به مثابه کنش سیاسی اعتراضی خشونت پرهیز در وضعیت انسدادی کنونی استفاده کرد. به نزد من، تا زمانی که در بر روی این پاشنه می چرخد و هسته سخت قدرت با محوریت آقای خامنه ای، تغییرات جدی و ملموسی در سیاست های

ظالمانه، تبعیض آمیز و انقباضی خود در راستای پاسداشت حقوق شهروندی ندهد، شرکت در انتخابات و چشم داشتن به تغییرات صندوق محور، آب درهاون کوبیدن است، کمک کار شهروندان پیرامونی نیست و راهی به جایی نمی برد و دری را نمی گشاید. در این اوضاع، میتوان از ظرفیت های جامعه مدنی استفاده کرد و از راهبرد عدم مشارکت و « قهر با صندوق» که از سنخ « نافرمانی مدنی» است، بهره برد و فعالانه (نه منفعلانه)، کنشی اعتراضی را سامان بخشید و پی گرفت، کنشی که در جای خود مهم و موثر است. به مصداق « چو فردا شود فکر فردا کنیم»؛ اگر تفاوت محسوس و ملموسی در سیاست های انتخاباتی نظام سر برآورد، می توان در آینده در تصمیم کنونی و قهر انتخاباتی تجدید نظر کرد و به نحو دیگری عمل کرد. ناگفته نگذارم که موضع مختارامثال بنده در وضعیت استبدادی و انسدادی کنونی، « گذارطلبی» است و گذار امن خشونت پرهیز از وضعیت موجود نامطلوب از طریق برگزاری همه پرسی و تشکیل مجلس موسسان؛^۱ آنچه با وضع و حال کنونی ما فرسنگ ها فاصله دارد. در عین حال، در عرصه سیاست، واقع بینی و دوراندیشی اقتضا می کند از هر اقدام مدنی در راستای کاهش درد و رنج شهروندان و افزایش خیر عمومی استقبال کنیم. به همین سبب، در شرایطی که این مهم، امکان تحقق داشته باشد، می توان از ساز و کار انتخابات هم بهره برد. از آنجائیکه مشارکت در انتخابات مجلس و خبرگان پیش رو،^۲ با ملاحظه جمیع

۱. نگاه کنید به مقاله " گذارطلبی؛ برون رفت از انسداد سیاسی" به قلم نگارنده، در لینک زیر:

<https://www.zeitoons.com/108284>

۲. ابراهیم رئیسی، رئیس دولت (نه رئیس جمهور)، در برنامه تلویزیونی انتخاباتی نامزدهای مجلس خبرگان رهبری گفته است: « اگر مردم خراسان جنوبی به من رای دهند در کنار مسئولان استان برای شهرها و روستاها برای رفع مشکلات تلاش می کنم». فارغ از اینکه مجلس خبرگان فعلی که ماه های آخر خود را سپری می کند، طی هشت سال گذشته چه کارکرد و کار ویژه ای داشته، چه نظارتی بر شخص رهبری و افراد منصوب ایشان کرده و چه گلی به سر خود و خلاق زده و چه گزارشی- جز تمجید و تشکر از رهنمودهای رهبری- به شهروندان که صاحبان اصلی ملت اند، داده؛ پرسش هایی که پاسخ های منفی آن اظهار من الشمس است، سخنان رئیس دولت در مسمی به برنامه انتخاباتی اش در نوع خود آیتی است. مجلس خبرگان که بی بو و بی خاصیت است و بدل به مجلس خفتگان گشته و ندا و بانگی از آن بر نمی آید، قرار است با رهبر و نهاد رهبری سر کار داشته باشد؛ چه ربطی به رفع مشکلات شهر و روستا دارد؟؟ مگر انتخابات شهر و روستا در پیش است که اینگونه سخن می رود؟ ظاهراً حضرت رئیسی نمی داند برای چه مسمی به انتخاباتی نامزد شده و حدود و ثغور آن سیمت را نمی شناسد... شاید هم انتظار نگارنده از کسی با بضاعت و مایه کم و ذخیره واژگان فارسی نحیف که متن فارسی را نمی تواند از رو درست بخواند و در درک و بکار بستن اعداد مشکل دارد و هر از گاهی خطاهای فاحش می کند، زیاد است. در این میان، شکر خدا رئیس و مرئوس به هم می آیند و در و تخته با هم جور است. آن از وزیر خارجه که انگلیسی و عربی صحبت کردنش اسباب خجالت شهروندان است؛ آن از رئیس سازمان سینمایی که دعای متعارف تحویل سال را بلد نیست و نمی تواند بخواند و در مقام توجیه خطای فاحش خود، از در انکار در می آید و به یمن و یسار می زند و آنهم از وزیر علوم که از وزیر فرهنگ و ارشاد به عنوان شخصیت برجسته علمی و فرهنگی سال تمجید و تقدیر می کند!! وزیر فرهنگ ولایی ایکه داستانی گشاده در حذف و طرد و سانسور و شاخ و شانه کشیدن برای نویسندگان و روزنامه نگاران و هنرمندان و اهالی فرهنگ و قلم دارد و یکی از بی رونق ترین جشنواره های فیلم فجر که از سر و روی آن یخ می یارید، در دوران ریاست ایشان برگزار شد. حقیقتاً روزگار غریبی است:

جاهلان سرور شدستند و ز بیم
عاقلان سرها کشیده در گلیم
هین روان کن ای امسام المتقین
این خیال اندیشگان را تا یقین

جوانب، به شرحی که آمد، عملاً کمکی به افزایش خیر عمومی نمی کند و روزنی را نمی گشاید، بلکه سبب تحکیم مناسبات ظالمانه موجود که پروای پاسداشت حقوق بنیادین شهروندان را ندارد، می گردد؛ با انتخابات قهریم و رای دادن در این وضعیت را امری غیر اخلاقی و ناموجه می انگاریم:

من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم
تو خواه از سخنم پند گیر خواه ملال